

بسمه تعالی

جلسه اخلاق مورخ // استاد وطن خواه - تربیت توحیدی - جلسه دوم

در جلسه اول عرضه داشته شد که حضرت رسول (ص) در معراج از حضرت حق سوال کردند کدام عمل نیکو تر و برتر است؟ خداوند فرمودند: چیزی بالاتر از این نیست که به من خدا، توکل کنند و بنده راضی و خشنود به قضای الهی من شود، برخی اعمال و اخلاق انسان در کسب فضایل بر اساس اعتقادات و ایمان و عمل حاصل می شود و حاصل آن در قلب انسان است؛ البته برخی از آن اعمال هر مربوط به عمل و تکرار آن است و گاهی اوقات بر هر دو اصل یعنی علم و عمل بستگی دارد؛ علمای زیادی در کتب خود به توکل بر خدا اشارات بسیاری کردند و نیز موضوع رضا که ارتباط تنگاتنگی با اعمال و ایمان دارد.

ارتباط آن است که وقتی انسان تکیه گاهش خداوند قرار گرفت؛ توکل برایش پیش می آید و اینکه درک کرد خداوند همه کاره است صفت دیگر آن هر رضا به رضای خداوند برایش حاصل می شود. با توجه به اینکه خداوند حکیم است. (فعال) چون تفسیر از زاق از روی حکمت و لطف به بنده اش می باشد (جمله ای زیبا از حضرت زینب که بسیار معروف است که می فرمودند: چیزی که خدا برای ما مقدر کرده است جز زیبایی نیست.

مانیز باید به خودمان القاء کنیم اگر گرفتار فقر و ناسازگاری های شوهر خدا مقدر کرده و راضی به آن می شویم اموری چون شرایط زندگی، مسایل کاری و پیش آمدهای روزمره، که می بایست انسان با آنها بسازد که مقدر خداست و راضی باشد

اما در مورد مقدرات خداوند تنها راضی بودن به نان و آب نیست حتی در مورد همسر هم باید راضی به آن باشد که خداوند برای او مقدر کرده شاید همسرش صفات بدی داشته باشد اما خداوند رفتارهایی در او قرار داده که همسرش را راضی و خشنود می کند. نباید توجه به بدی ها، خوبی های او را در ذهن همسرش کم رنگ کند. هنر مودت و دوستی رازن و شوهر در نظر داشته باشند و نگذارند که رنگ شود و با محبت هایی که از هر می بینند و تکرار آن باعث تقویت مهر و محبت در خانواده شوند. خوبی ها را در نظر بگیرند و به زندگی ادامه دهند.

شیطان همیشه در زندگی عیب ها و نقص ها را پررنگ نشان می دهد و با کوچکترین نقص ها و مشکلات، باعث کدورت های بزرگ می شود و خانواده ها به طلاق و مسایل دیگر گرفتار می شوند؛ اما وقتی خوبی ها را در نظر داشته باشند؛ در کنار بعضی از معایب به جنبه های مثبت همسر فکر می کنند و این سبب خشنودی و رضایت قلبی می شود. اگر حالت رضا در دل انسان نسبت به مقدرات خداوند پیش آید خداوند عناایتی به انسان می دهد.

در کار و موارد دیگر نیز چنین است اگر حالت رضا نسبت به مقدرات خداوند پیش آید مقاماتی را خداوند به او عنایت می کند. امام حسین علیه السلام را عبدالله بن جعفر بر خور کردند؛ حضرت فرمودند: ای بنده خدا عبدالله چگونه بنده به خداوند مومن می شود و وقتی نسبت به قضای الهی راضی نباشد؟ بعضی فکر می کنند که خداوند با آنها خصومتی دارد که دچار مشکلی می شوند. در مورد حضرت امام خمینی (ره)، وقتی خبر شهادت فرزندش را به ایشان دادند، فرمودند: لطفی از طرف خداوند شامل حال من شده است.

عمده در مصائب است که انسان می گوید ما پیش خدا منزلتی نداریم که به مصائب گرفتار می شویم؛ حال آنکه هر آنچه خداوند حکم می کند و مقدر می کند می بایست راضی باشیم.

حضرت امام حسن علیه السلام می گوید: من امام حسن علیه السلام رضا من می شوم کسی را هنگام سختی در قلب و فکر او چیزی خطوط نکند جز رضایت و خشنودی، آنگاه مستجاب الدعوه می شود.

خداوند زمانی که بلا را داد، توفیق صبر و لقاء را نیز می دهد. کتمان کردن مصائب که در روایات آمده است که انسان نداری و نیازش را به کسی نگوید. آیت الله کمپانی (ره) که از خانواده های نامدار و تجار تهران بودند که ایشان با قناعت و سختی روزگاری گذراند؛ کار ایشان به جایی رسیده بود که بغال محل هر به او چیزی نمی داد به کسی رونمی زد با آن همه مکنت به اینجا رسید. در صورتی که اگر لب به سخن می گشود و به اطرافیان می گفت سریعاً احتیاجش را بر طرف می نمودند.

سفره دل را برای دیگران باز نکند و ناراحتی و مریضی را به کسی نگویید؛ فقط به خدا بگویید و رفع آن بدی و سوء را از خداوند بخواهید. یکی از فلسفه و حکمت بدی ها همین است خدا وقتی بنده ای را دوست بدارد؛ گرفتارش می کند تا صدایش را بشنود اما کسی را که دوست ندارد به او نعمت می دهد تا پیش او نیاید؛ مثل پدر مادری که فرزندشان را دوست دارند و از اینکه به هر بهانه ای پیش پدر و مادر بیاد و نیازش را رفع کنند لذت می برند. حتی حضرت آدم هر بعد از رانده شدن از بهشت و پشیمان شدن، گرفتار ترک اولی شد و سیصد سال گریست و توبه کرد.

مانند مومنی که اهل نماز شب است و شبی خواب می ماند و گریه می کند چرا خواب مانند خداوند می خواهد از غرور دور شود و به درگاه او بگردد. اگر کسی راضی به روزی کمر می شود خداوند هم از عمل کمر او راضی می شود و همان را قبول می کند. شخصی از علمای بالای تهران خدمت حضرت سید الشهداء رسیدند؛ از حضرت سوال کردند: از این مجالس که برایتان می گیرند راضی هستید؟ کدام مجالس بیشتر مورد رضایت شماست؟ ایشان نسبت به همه مجالس ابراز رضایت کردند تا اینکه حضرت را قسم دادند که کدام مورد رضایت بیشتر شماست؟ ایشان پیرزنی را معرفی کردند که در نقطه پایینی از شهر در منزل محقر، مجلس عزای امام حسین علیه السلام می گرفت. این عالم

سراغ آن آدرس و پسر زن می رود می گوید من می خواهم به جلسات روضه شما بیایم و می خواهد که پول روضه های او را هر بدهد پسر زن قبول نمی کند و می گوید من پول روضه امام حسین را از راه کلفتی بدست می آورم. خداوند در این جامی گوید توبه کمر راضی شدی من هم از عمل کمر تو راضی هستم. اینجا شکر نعمت سبب شادی بنده می شود. وقتی انسان قلباً توجه به لطف خدای کند و شادی شود شکر محسوب می شود بدون اینکه به زبان بیاورد. همین قلباً توجه می کند شکر است. شکر این است که انسان آن نعمت را در راه رضایت خدا بکار گیرد. اینکه چگونه رضایت خدا را بدست آورد؟ به جمله ای بر می گردد از حضرت سیدالشهدا که فرمودند: رضایت خدا به رضایت ما اهل بیت است.

چگونه امام زمان عجل را از خود مان راضی کنیم. آنچه در واجبات و مستحبات ائمه و اولیاء خداوند فرمودند انجام دهیم که آن رضایت خدا را در پی دارد. مادر رضایت ولی عصر عجل تکلیف مدار باشد. گاهی بعضی از اشخاص در جزئیات شک دارند؛ مثل اربعین امام حسین. بعضی شک می کنند که بروند یا نروند؟ مادر مرا ببر میانه با فرزند و کار برو میانه؟ در این گونه موارد می باید قوه عاقله را به کار ببرد. تحت تاثیر نفس قرار نگیرد و در نهایت اشتباهی در انجام وظیفه اش صورت نگیرد.

خدایا من خشنود و راضی ام به رضای تو، ان شاء الله این صبر و رضایت را به ما عطا کند.